Wort des Tages لغتِ روز schmeicheln

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 19, 2016

schmeicheln یک فعل می باشد
چرب زبانی کردن ، چاپلوسی کردن ، تملق کردن ، خود را بزرگ جلوه دادن ، خود را کسی پنداشتن ، خوشایند بودن ، مطبوع بودن ، چسبیدن ، دلچسب بودن ، ناز کردن ، نوازش کردن

گذشته ساده : schmeichelten
گذشته دور : haben geschmeichelt
Der Schmeichler یک اسم مذکر می باشد
آدم چاپلوس ، متملق , زبان باز ، چرب زبان ، پاچه خار

Die Schmeichelei یک اسم مونث می باشد
چاپلوس ، تملق ، زبان باز ، چرب زبان پاچه خار

schmeichelhaft یک صفت می باشد
مطبوع ، متملقانه ، چاپلوسانه ، دلچسب ، پاچه خارانه
مثال برای schmeicheln

وقتی چیزی را به صورت چاپلوسانه بخواهیم به فروش برسانیم

Dieses Kleid schmeichelt jeder vollschlanken Dame
این لباس برای هر خانم چاق و چله ای خوشایند است.
وقتی خودمان را کسی می پنداریم و از آن بابت مغرور هم هستیم :

Ich schmeichle mir, dass schon längst erkannt zu haben
به خودم افتخار میکنم که از مدت ها پیش معروف و شناخته شده ام
Die Klänge schmeicheln sich ins Ohr
آن آهنگ ها یا آن صدا ها به گوش می نشینند
(آن نغمه ها دلچسبد هستند)
Schmeichelnde Musik
موزیک دلچسبد

مثال برای Der Schmeichler

.Er war der perfekte Schmeichler und die Frauen lagen ihm zu Füßen
او چاپلوس ماهری بود و خانم ها او را به عنوان مرد رویاهایشان می پنداشتنند

توضیح در ارتباط با اصطلاح Zu Füßen legen
می تواند در موقعیت های مختلف معانی متفاوتی نیز بدهد ، وقتی کسی چیز دوست داشتنی در شما ببیند، می تواند شروع به رویا پردازی کند و احساس کند که در آینده با شما خوشبخت خواهد شد . البته همانطور که گفتم zu Fußen legen نیز می تواند

معانی دیگری نیز بدهد برای مثال به بخشی از شعر زیر که برای Heiner Müller است توجه کنید :

Ich kann dir die Welt nicht zu Füssen legen
.Sie gehört mir nicht
من نمی توانم دنیا را به پایت بریزم ، اون برای من نیست.
من نمی توانم دنیا را تقدیمت کنم ، اون برای من نیست.
وقتی شما به کسی هر چه دارید را ببخشید و یا تقدیم آن کنید تا او به اوج برسد و جهان را در زیر پاهایش تصور کند , همانند یک عاشق که خود را فدای معشوقه اش میکند.

Wenn jemand für dem anderen schlichtweg alles gibt, dann legt er ihm oder ihr sprichwörtlich die Welt zu Füßen

اگر کسی برای شخص دیگری ساده و بی آلایش همه چیز را واگذار کند ، آن وقت اصطلاحا او تمام دنیا را به پایش ریخته یا دنیا را فدایش کرده

مثال برای Die Schmeichelei

Schmeichelei ist eine lobende Äußerung, ein Kompliment, eine Lobhudelei
پاچه خار یک بروز دهنده تمجیدات ، یک تعارف کننده و یک چاپلوس است.
مثال برای schmeichelhaft

Schmeichelhafte Reden
پاچه خارانه حرف زدن ، چاپلوسانه حرف زدن

Diese Worte klingen wenig schmeichelhaft
این حرف ها کمی پاچه خارانه به نظر می آیند

موفق باشید ?
? Viel Erfolg